



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۸/۰۸/۱۷

استاد شاه محمود محمود

چرا طالبان به غزنی پایتخت امپراطوری غزنویان یورش بردند؟ موقعیت جغرافیایی و ژئوپولیتیک غزنی!

مقدمه :

هنوز طنین صداها و اخبار به گوشم باقی است که غزنه را « پایتخت فرهنگی جهان اسلام » مسما و لقب دادند . تا کنون آئینه و صفحات تاریخ از باغ و بوستان های محمود غزنوی و مسعود و جایگاه البیرونی و بیهقی و فردوسی و سنایی و دههای دیگر داستانها و یادداشتها دارد. اما روی دیگر آئینه را چند روز قبل مشاهده کردیم که پایتخت جهان اسلام و پایتخت امپراطوری غزنوی به دست مسلمانان طالب به آتش کشیده شد و مردم و باغ و بوستان همه کشته ، ویران و سوختانده شد. خوب گفته اند غزنه نه همان است که من دیدم پار .

بلی! غزنی یا غزنه یکی از ولایات مرکزی افغانستان است که در طول تاریخ با موقعیت ژئوپولیتیک خویش به دژ مقاومت و سنگر دفاع و شاهراه بزرگ تدارکاتی شمال و جنوب و شرق و غرب مسما بوده است. موقعیت غزنی در بین ولایات میدان - وردک ، زابل ، بامیان، لوگر و پکتیکا از ارزش نظامی و سیاسی خاص برخوردار است. تاریخ گواه است که این شهر در مقابل هخامنشیان و اسکندر و حتی کوشانی ها مقاومت نمود. در حقیقت غزنی دروازه کابل است . هر قدرت و یا سلطان که غزنه را با خود دارد ؛ رسیدن و یا دست یافتن به کابل چندان دشوار نیست .

پیشینه تاریخی:

غزنی یکی از شهر های بود که مانند کابل و لوگر پیروان ادیان هندویی و بودائی زندگی داشتند. وجود ستوپه ها و معابد در این شهر نمایانگر آنست که تا ورود اعراب مسلمان مردم غزنه کماکان تحت حاکمیت کابلشاهیان و یا برهمن شاهیان بوده اند اما با حملات اعراب به طرف کشور زندگی اجتماعی و اقتصادی این اعراب مسلمان بعد از اشغال هرات و قندهار از طریق غزنه به کابل آمدند. صفاری ها مشکلات خود را هنگام رسیدن به کابل و بامیان در غزنه از نظر دور نداشته اند یعقوب لیث صفار بعد از آنکه سجیتان را تحت قیادت خویش قرار داد و خطبه در سال 751 هـ ق به نامش خوانده شد ، به جانب بخت و زاولستان و بلاد داور و غزنین لشکر کشید و همه را بگرفت و از آنجا به جانب تخارستان [تخارستان] و بلخ آمد. (1) آنها با اشغال و عبور از غزنه به سهولت به کابل و بامیان دسترسی پیدا کردند و تا بلخ و تخارستان رسیدند .

سامانیان غزنی را منحصراً دژ مستحکم برای دفاع پایتخت خود می شمردند بنابراین یکی از ورزیده ترین نظامی خویش یعنی الپتگین را به این جا فرستاد. این موقعیت ستراتیژیک غزنه سبب شد که الپتگین و فرزندانش به سامانیان " نه " بگویند و خودمختاری خود را اعلان نمودند . بنابراین ما شاهد آن هستیم بعد از جدائی غزنی از دولت سامانی؛ پایان حکمروایی سامانیان فرا رسید.

سبگنگین و پسرش محمود با مرکزیت غزنی نه تنها به کابل رسید بلکه لغمان و لوگر و پشاور و لاهور و تا قنوج را فتح و تصرف نمود.

غوری ها همچنان با تلاش انتقام جویانه برادران غوری خویش وارد شهر غزنه شدند و بر مینای طبقات ناصری شهر غزنه را آتش زدند و با غارت و کشتن هفت شب و روز غزنه محمودی ویران گردید. (2) غوری ها با اشغال غزنی و براندازی دولت غزنویان خود را تا دهلی و بنگال و اقصی هند رسانیدند .

سلجوقی ها و خوارزمشاهیان و چنگیز و تیمور همین مسیر را تعقیب نمودند. آتش و دود و خونریزی این حکمرانان تا هنوز در درو دیوار غزنه نمایان است . بابر و اولاده او هرگز نخواست دست های بیگانه به شهر غزنی برسد و برای حفظ و نگهداشت کابل ؛ غزنی را سپر دفاعی خویش قرار داده بودند.

نادر افشار همچنان برای رسیدن به هند بعد از توقف یک و نیم سال در قندهار و اشغال و براندازی دولت هوتکی راه کابل را پیش گرفت . او توانست غزنه را تصرف و راه رسیدن به کابل را آسان بسازد. بعداً ناصر خان حاکم سابق دربار بابر سر تسلیم فرو آورد و این دوشهر فتح گردید.

د پانو شمیره: له 1 تر 4

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولی

احمدشاه درانی در آغازین سال سلطنت خویش 1161 هـ ق سردار جهانخان را منحبث پیشدار خویش تعیین و برای گرفتن غزنی و کابل فرستاده شد. اما با گفته مرحوم غبار به "حرب موضع" دچار شد زیرا نایب الحکومه ولایات پشاور و کابل «ناصر خان» که مامور سابق دربار هندوستان به اطاعت نادر مجبور شده بود بعد از مرگ او به عنوان بادار قدیمش مکرراً اعلان حکومت کرده، و میخواست باین نام خودش را مستحق خودمختاری از اتک تا غزنی نشان بدهد.

وقتیکه ناصر از پلان و طرح احمدشاه در قندهار واقف شد در کابل و غزنی در تلاش جمع آوری لشکر گردید اما ناصر احساس کرد که اهالی کابل هوای احمدشاه را دارد بنابراین از مردم ایماق و هزاره به تشکیل قطعات عسکری پرداخت اما در اولین برخورد با پیشدار احمدشاه شکست خورد و غزنی تسلیم شد. ناصر تلاش دوباره در کابل نمود اما بنابر عدم همکاری مردم هزاره و ایماق شکست خورد و راه پشاور گرفت. (3)

بار دیگر در سال 1839 م غزنه هنگام تجاوز اول انگلیس بالای افغانستان مورد تهاجم انگلیس ها قرار گرفت. مقاومت مردم و استحکامات غزنی سبب شد تا نقشه های اشغال انگلیس ناکام بماند بنابراین به خدعه و فریب و خریداری افراد پرداختند. تا اینکه بواسطه منشی موهن لال ارتباط انگلیس با خواهر زاده امیردوست محمد خان برقرار شد و عبدالرشید نام پلان تدافعی شهر را افشا نمود و یکی از دروازه ها که قابل تسخیر بود توسط انگلیس ها منفجر ساخته شد و انگلیس ها وارد شهر شدند. کشتند و سوختند و بردند.

در سالهای حکمرانی برادران بارکزیابی تا آغاز سلطنت امیر عبدالرحمن خان؛ جنگ های خورد و بزرگ دیگری در اطراف غزنی ادامه داشت. تا اینکه در زمان امیر حبیب الله کلکانی یکبار دیگر این شهر مورد هجوم قرار گرفت. و احتمالاً در مقابله با شاه امان الله برخی از شهر تخریب و تاراج شد. از آن تاریخ به بعد تا زمان ظهور طالبان شهر غزنی مورد تهاجم بزرگ قرار نگرفته بود. تا اینکه طالبان سر رسید.

اما طالبان!

طالبان بعد ایجاد و ظهور و اشغال قندهار و فراه و هلمند و نیمروز به طرف غزنی آمدند. این شهر برای اولین بار در اوایل سال 1995 م بدون مقاومت تسلیم طالبان گردید و طالبان توانست بعد از اینکه قوت های خویش را در غزنی مسقر سازد به تاریخ دوم فیروزی 1995 م ولایت وردک و میدان و به تاریخ 11 فیروزی ولایت لوگر را تا محمد آغه بدست آورند و این پیشروی سبب شد تا به تاریخ 14 فیروزی چارآسیاب که مقر فرماندهی گلبدین حکمتیار بود تصرف نمایند و خود را به 25 کیلومتر کابل برسانند. (4)

برای بار دوم طالبان فقط چند روز قبل به تاریخ 10 اگست 2018 م مطابق 19 اسد 1397 هـ ش صبح زود حملات گسترده خویش را بالای شهر و پوسته های امنیتی ولایت غزنی آغاز نمودند و موفق شدند تا مرکز شهر و برخی ساختمان های دولتی را در تصرف خویش درآورند. در هنگام ورود برای ایجاد خوف و ترس؛ انفجاراتی رخ داد و برخی مغازه ها و مارکیت ها را به آتش کشیدند. طالبان این حملات را طی اعلامیه توضیح دادند که: «حمله به غزنی در چارچوب عملیات بهار صورت گرفت و صد ها تن از اعضای این گروه مجهز به سلاح های سنگین نقاط کنترل و بازرسی و مراکز پولیس شهر را تصرف کرده اند» در حالیکه دولت و مقامات نظامی و پولیس افغانستان با صدور اعلامیه ها و گفتگو ها و مصاحبه از موفقیت های خویش یادآور شده اند. تا اینکه بعد از چهار روز نزاع و آتش سوزی و ویرانی و کشتار نیروی های طالبان از شهر بیرون رفتند. هر دو طرف به شمول مردم محل؛ پیش از چند صد نفر کشته برجای گذاشتند. در بین کشته ها کسانی هم بودند که تبعه پاکستانی داشتند و روزنامه های پاکستان آنرا مورد تائید قرار دادند.

چرا غزنی؟

حمله بالای غزنی خیر جدید نیست طالبان هر گاه و بیگاه به مراکز و پوسته ها و ولسوالی ها و حتی برخی ولایات حملات خود را ادامه داده اند تا حدود چند ساعت و چند روز برآن شهر ها حاکمیت می نمایند. طالبان میدانند که حملات و اشغال شهر ها و ولسوالی ها دوماه نپوده و تنها با این عمل خویش قدرت نمائی نموده و دولت را همیشه مصروف نگهدارند.

حمله بالای غزنی قبلاً پلان شده بود و بنابر گفت های مردم محل؛ چند هفته قبل حتی دو یا سه ماه قبل افراد مشکوک در اطراف شهر و در بین خانه ها جایگزین گردیده بود. معلوم نیست چرا دولت این همه تردد و رفت و آمد ها را نادیده گرفته بودند؟

چنانکه قبلاً گفته شد که غزنی یکی از ولایات مرکزی افغانستان بوده و شهری است که چندین راه تدارکاتی به غرب و شرق و شمال و جنوب افغانستان را به هم وصل میکند. با اشغال غزنی این همه راههای تدارکاتی مسدود گردیده و در طویل المدت کمبود مواد غذایی و ضروری در بین ولایت به خصوص کابل، لوگر، میدان وردک و بامیان مشهود میگردد.

از نظر استراتژیکی غزنی در موقعیت بالای قرار دارد. دست داشتن بالای کوه ها و تپه های اطراف غزنی سبب میگردد تا غزنی تا مدتها از خویش دفاع نماید. روی همین ستراتیژی بود که طالبان در قدم اول راه های منتهی به غزنی را با همه پوسته های اطراف آن اشغال و در دست داشتند. ضمناً راه کابل و غزنی در اوج پورش طالبان در غزنی در قسمت میدان شهر به بهانه تظاهرات و بی عدالتی دولت و مقامات ولایت میدان وردک مؤقتاً مسدود ساخته شد.

شاید خواننده بگوید که امروز زمان تغییر کرده است؛ طیاره و بمب و راکت مانع این انسداد راهها نمیگردد؛ و گرفتن پوسته ها و مسدود نمودن راهها به معنی اشغال و تصرف حسابی نیست! بلی دقیق است اما در اراضی افغانستان که کوهستانی بوده هنوز موجودیت افراد پیاده و دست داشتن به نقاط استراتژیکی حیاتی میباشد. این همه لوازم جنگی و طیارات بمب افکن در بین شهر ها سبب میشود که مردم عامه و ساختمانها از بین برود و یقیناً در کوهستانات انداختن بمب و راکت ها کارآمد نیست، بناً موجودیت افراد پیاده و زرهی میتواند که دشمن را عقب بزنند.

نکات بسیار مهم که حمله بر غزنی را توجیه میکنند عبارتند از:

1 - از چند ماه به این سو سرو صدا ها و پیشنهادات در مورد سپردن برخی مناطق و ولسوالی ها و حتی ولایات برای طالبان بلند بود. این افراد تلاش میکردند تا بخش های از افغانستان را منیحت « مناطق آزاد» مشابه به «علاقه غیر یا علاقہ قبایل ازاد» که در مناطق پشتون نشین پاکستان امروزی توسط انگلیس ها به وجود آمده اند؛ دولت افغانستان به طالبان واگذار نمایند. این به آن معنی است که طالبان در این مناطق حکومت و امر و نهی خویش را داشته و از مکتب و لیسه و پوهنتون و شفاخانه و سایر موسسات اجتماعی خبری نباشد. مردم در تاریکی محض نگهداشته شوند و هر آنچه طالبان میخواهند آنها کورکورانه قبول نمایند. قشر بیسواد و دور از دانش امروزی جای آنهمه پیشرفت و ترقی را بگیرند.

2 - همچنان در سطح سنای امریکا سخنانی وجود دارد که مناطق که: برای دولت افغانستان از نظر حیاتی ارزش ندارد به طالبان واگذار گردد که این اقدام در حقیقت تداوم همان نقشه انگلیس است که در ایجاد « مناطق غیر یا علاقہ ممنوعه » را به وجود بیاورند. یکی از سناتوران امریکا پیشنهاد نموده که در نقاط غیر استراتژیکی که اردوی امریکا در آن مناطق تردد ندارد؛ لازم نیست سرمایه گزاری نظامی صورت بگیرد. و میتوانیم آن مناطق را برای طالبان بگزاریم.

اما این نظر امریکائی ها هرگز مورد قبول طالبان نبوده و نخواهد بود، بناً طالبان ولایات که بیشتر حیثیت پل تدارکاتی را دارند؛ میخواهند در اختیار داشته باشند. بناً حمله بالای غزنی بیرون از این پلان بوده نمیتواند.

3 - با در نظر داشت دوماهه فوق، آوازه نشست و گفتگو بین طالبان و ایالات متحده امریکا در مطبوعات انعکاس یافته است و چه بسا وزیردفاع افغانستان هم تائید نموده است که طالبان با این حملات خویش به امریکا نشان میدهد که آنها در موضع ضعیف قرار ندارند. بنابراین اگر مذاکره در بین باشد از موقعیت بالا حرف خواهند زد.

4 - شاید این گفته دور از واقعیت باشد اما دور از احتمال نیست که طالبان با این حملات خورد و بزرگ؛ زمینه گسترش قدرت خویش را از ولسوالی ها به ولایات رسانده و مناطق خودمختاری برای خویش دست و پا خواهند ساخت تا بالای دولت به اصطلاح دوگانه کابل فشار وارد نمایند تا شریک قدرت شوند.

در غیر آن، طالبان امروز دیگر یک پدیده یا مجموعه دینی - مذهبی نبوده بلکه مانند دیگران میخواهند شریک قدرت و ثروت باشند. همین حالا برخی راه ها و بنادر شهر را بدسترس دارند و از کاروان ها به خصوص کاروان هائیکه مواد معدنی انتقال میدهند؛ محصول گمرکی میگیرند و از مافیائی مواد مخدر سهم خویش را برمیدارند که این عواید؛ علاوه بر عواید است که از کشور های همسایه و دور و نزدیک میگیرند.

نتیجه:

غم شریکی با مردم که در غزنی و ننگرهار و کابل و پکتیا و ووو نزد همه هموطنان محسوس است. هر روز ما شاهد؛ خونین شدن قلب های ما هستیم و هر روز اجساد پاره و پارچه شده هموطنان ما؛ بالای شانه های ما سنگینی میکند. چگونه و چه و زمانی از این مصیبت رها خواهیم شد. جنگ و باز هم جنگ زندگی میلیون ها هموطن ما را با خون و آتش و درد همراه نموده اند.

جنگ طالبان با دولت های مستعجل که هر چهار یا پنج سال ظاهر میگردند؛ در حقیقت نوع از جنگ های چریکی یا گوریلائی نامیده میشود. درچنین جنگ ها طالبان علاقہ برای نگهداشتن مناطق ندارند؛ چون میدانند که نظامیان دولتی سر میرسند و دوباره از آنجا بیرون رانده میشوند در صورتیکه حملات دفاعی دولت دیرتر برسد؛ طالبان موفق به کشتن مخالفان خویش شده بزرگان و قومندانان را از بین برده؛ زکات و عشر گرفته و امر بالعرف و نهی عن المنکر را جاری میسازند.

این جنگ ها وقت و زمان معین ندارند اما در طول چند سال اخیر دیده شده است که طالبان برای حملات اساسی خویش نقشه و آمادگی کامل میداشته باشند و قبل از اینکه به حمله معینی پردازند؛ چند انفجار و انتحار و حملات در ولایات دوردست و یا در شهرکابل به راه می اندازند تا نظر مطبوعات و دولت و اردو و نظامیان را به آن سوق داده و خودشان با آرامش خاطر؛ حملات قبلاً تدارک شده را انجام بدهند. حملات غزنی یکی از همین یورش و تعرض ها بود. در این نبرد طالبان موفق شدند بخشی بزرگ شهر را بدست بگیرند و راه های تدارکاتی دولت را مسدود نمایند. با وجودیکه بعد از چهار یا پنج روز کشتار و سوختن شهر؛ غزنی را ترک گفتند اما هنوز بعضی ولسوالی ها یا در اختیار شان است و یا آنها را در محاصره دارند. بنأ موفقیت این نبرد نصیب طالبان بوده است. دولت ادعا دارد که اردوی و پولیس مجهز دارند لازم است که این اردو منظم را قبل از حملات طالبان و دیگران مدیریت نموده و قرارگاه ها و قطعات ثابت را در ولایات و ولسوالی ها افزاز نمایند تا جلو حملات را قبل از وقوع اینکه دیر شود مانع گردند.

زیرنویسها:

- 1 - جوزجانی - منهاج السراج ، طبقات ناصری، تصحیح و حواشی و تعلیق از پوهاند عبدالحی حبیبی، ج اول، کابل ، 1342 هـ ش ، ص 198 .
- 2 - جوزجانی - منهاج السراج ، ایضا" ، ص 344 .
- 3 - غبار - میر غلام محمد، احمدشاه بابا ، مطبعه دولتی ، کابل ، 1322 هـ ش ، ص 193 - 194 .
- 4 - رشید - احمد، طالبان، ترجمه داکتر نجله خندق، 1382 هـ ش ، ص 82 .